

استشاره و استخاره دو راهکار تصمیم سازی در فرهنگ اسلامی و قرآنی

فاطمه ریاحی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۰

احمد میرزایی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱۱

چکیده

در این تحقیق استشاره و استخاره که دو راهکار تصمیم سازی در فرهنگ اسلامی و قرآنی است مورد نقد و بررسی قرار گرفت. استشاره و استخاره دو موهبت از مواهب بزرگ خداوند مهربان‌اند که به هنگام حیرانی و سرگردانی می‌توانند برای انسان راهگشا باشند. این دو امر همانند دیگر امور در زندگی ما برای شروع اولیه نیاز به رعایت یک سری اصول و شرایط دارد که اگر با رعایت آداب و شرایطشان انجان نشوند نه تنها انسان را از حیرانی بیرون نمی‌آورند بلکه او را به گمراهی نیز می‌کشاند. لذا در این مقاله به مسائلی از قبیل چیستی و چرایی استشاره و استخاره، جایگاه آن‌ها در آیات و روایات و شرایط آن‌ها پرداخته شد. برای پاسخگویی به این موارد از روش تحقیق توصیفی استفاده شد و با مراجعه به منابع مکتوب و غیر مکتوب و سایت‌های اینترنتی، مطالب لازم جمع‌آوری گردیده است.

کلیدواژگان: تفکر، تصمیم سازی، اسلام، قرآن، فرهنگ.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* فارغ التحصیل سطح دو حوزه علمیه خواهران، کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث شهری.
hadisriahy83@gmail.com

** اشتغال به تحصیل در درس خارج فقه و اصول، مدرس رسمی حوزه علمیه تهران، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث شهری.
نویسنده مسئول: فاطمه ریاحی

مقدمه

تصمیم‌گیری دلیلی آشکار بر مختار بودن انسان است، خداوند با موهبت عقل انسان را اشرف مخلوقات قرار داده و همواره به تفکر دعوت می‌نماید. یکی از عرصه‌های عقل و فکر تصمیم‌گیری نسبت به اموری است که انسان در طول زندگی با آن‌ها روبه‌رو می‌شود و دو راهکار مهم و رایج در این امر مشورت و استخاره است. آنچه انگیزه این پژوهش بوده، اشتیاق وافر به دریافت دیدگاه دین درباره حدود و شرائط بهره‌گیری از استخاره و استخاره و پرهیز از افراط و تفریط در این زمینه بوده است.

یکی از دغدغه‌های نگارندگان این بود که با وجود تعقل و قدرت اندیشه در انسان در مرحله اول و بهره‌وری از خرد جمعی یا استخاره در محله بعدی، آیا مجال برای استخاره می‌ماند یا خیر؟ آنچه این دغدغه را استقرار بیش‌تری بخشید اختلاف بین بزرگان و علمای دین در عمل به استخاره بود تا حدی که عده‌ای از عوام مردم تا سرحد تعطیلی عقل، در استفاده از آن به افراط کشیده شده و عده‌ای دیگر بالعکس به تفریط افتاده و اهل استخاره را بی‌بهره از عقل قلمداد می‌کنند.

از دیگر دلایلی که نویسندگان را به این تحقیق وا داشت، آسیب‌هایی بود که در متن جامعه اسلامی و در بین مردم به صورت جدی دیده و لمس می‌شد که مربوط به ندانستن آداب و شرایط این دو امر علی‌الخصوص استخاره می‌شد. تا جایی که به خاطر ندانستن حدود و ثغور آن، مشهور شد که جوانی برای خودکشی که گناهی نابخشودنی است از یکی از کسانی که بین خاص و عام مشهور بود، بدون ذکر نیت استخاره گرفته بود.

از این رو پژوهشگران بر آن شدند تا با بررسی متون روایی در این زمینه و تطبیق آن با کلام وحی، جایگاه و ارزش والای این دو امر را به عنوان راهکارهای دینی نجات از سرگردانی‌ها بیان نمایند و اولاً جوابی برای دغدغه‌های خود و تمام کسانی که تمایل به دانستن نظر دین دارند از متن دین بیابند و پس از آن برای استفاده هرچه بهتر از این دو ودیعه الهی، آداب و شرایط و حدود آن‌ها را مطرح نمایند.

ضمن اینکه در این نوشته به بررسی سنت مأثور توکیل در استخاره و چرایی و چیستی آن پرداخته شد، اختلاف نظر موجود در بین بعضی از علماء متقدم در این زمینه

نیز مطرح گردید و در نهایت در حد توان جمع بندی و ارائه نظر در این مورد انجام شد. آنچه به پژوهشگران دیگر پیشنهاد می شود این است که به بررسی استخاره و جایگاه آن در بین علماء عامه پرداخته و آن را مورد بررسی قرار دهند.

پیشینه تحقیق

در گذشته تاریخ اسلام مشاوره و راهنمایی از وظایف پیامبران و امام(علیهم السلام) بوده است. پیامبر(صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین(علیهم السلام) ضمن پرداختن به مشاوره و راهنمایی، مردم را با اصول مشاوره، راهنمایی، ویژگی های مشاوره و راهنما و مسئولیت های آنها و هدف های مشاوره و راهنمایی و روش هایی که می تواند امر مشاوره را تسهیل کند و زمینه هدایت افراد به سوی اهدافشان را فراهم سازد، بیان کرده اند و نظام مشاوره ای مختص به مکتب اسلام را ترسیم کرده اند. استخاره نیز دارای اسنادی است که نشان می دهد استخاره از پیامبر(صلی الله علیه و آله) و همچنین امامان معصوم(علیهم السلام) به ما رسیده است و در روایات زیادی به استخاره سفارش شده است. در جست و جوی انجام شده مقاله ای با این موضوع یافت نشده است. اما پایان نامه های مشابه وجود دارد از جمله پایان نامه آقای حسین حیدری با موضوع «بررسی گستردگی و ژرفای برخی تجارب تفسیری دینی(استجاب دعا، استخاره، پیامدهای لقمه حلال، رؤیای صادق، چشم زخم) در حیات دینی مردم کاشان» کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۰. و همچنین می توان به کتاب «راهی به روشنا» در آداب استخاره و استخاره اشاره کرد که نوشته شیخ محمد اردکانی بهبهانی حائری می باشد.

۱. مشورت

جایگاه مشورت در قرآن کریم

حق تعالی برای آمرزش بندگان و نزدیک کردن دل های شان به یکدیگر و ضمناً برای آزمایش دشمنان و منافقان به فرستاده خود که صاحب عقل کل بود و از راه وحی از انوار الهامات بی پایان الهی بهره مند بود اینطور فرموده است که:

﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ (آل عمران / ۱۵۹)

«در کارها با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا

خداوند توکل کنندگان را دوست می‌دارد»

آیت الله جوادی آملی درباره مشورت رسول خدا آورده‌اند: مشورت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که اسوه حسنه اهل ایمان است سبب تأسی اهل ایمان به سیره آن حضرت در مشورت با دیگران است که چند نتیجه دارد:

الف- احترام به آرای مؤمنان و مشارکت در تصمیم سازی‌ها و تصمیم گیری‌ها و زمینه خود باوری و شناخت توانمندی‌ها را در آحاد مردم فراهم می‌آورد.

ب- رواج فرهنگ مشاوره، انسان‌های فکور مخلص را از دیگران باز می‌شناساند و از توانمندی آنان در تصمیم سازی‌ها و تصمیم گیری‌ها بهره گرفته می‌شود (۱۳۸۸ ش: ۱۶).

خداوند متعال در قرآن کریم در آیه دیگری اینگونه می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾

(شوری/۳۸)

«و آنان که دعوت پروردگارشان را پاسخ می‌گویند و نماز می‌گزارند و

کارشان بر پایه مشورت با دیگران است و از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم انفاق

می‌کنند»

در این آیه اشاره است به اینکه مؤمنین اهل رشدند و کاری می‌کنند که در واقع هم باید بکنند و در به دست آوردن و استخراج رأی صحیح، دقت به عمل می‌آورند، به این منظور به صاحبان عقل مراجعه می‌کنند (طباطبایی: ۱۳۷۴ ش: ۱۸ / ۹۳).

از اینجا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هرچند اهل بیت (علیهم السلام) اماناء و وحی الهی بودند و علمشان ریشه در علم الهی داشت ولیکن هیچ گاه خود را بی‌نیاز از مشاوره نمی‌دیدند و همگان را نیز تشویق به این مهم می‌کردند.

آثار مشورت از دیدگاه روایات

مشورت کردن نیاز طبیعی بشر می‌باشد و هر فردی در هر رده و رتبه‌ای نیاز به مشورت با افرادی را دارد که در زمینه‌های مختلف دارای تخصص بالاتری هستند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در این باره می‌فرماید: «ما یستغنی رجل عن مشورة...»؛ هیچ

فردی از مشاوره بی‌نیاز نیست (پاینده، ۱۳۸۲ش: حکمت ۱۶۳۷). این سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اشاره به این امر دارد یک فرد هرچقدر هم که عاقل و دانا باشد باز نمی‌تواند بی‌نیاز از مشورت باشد زیرا هیچ کس نمی‌تواند در همه زمینه‌ها تخصص پیدا کند و به ناچار باید به افراد متخصص‌تر از خود رجوع کند.

از دیگر فوائد مشاوره این است که در کم‌ترین زمان ممکن انسان را به قله‌های موفقیت و رستگاری می‌رساند و بهترین راهکارها در زمان حیرانی به انسان نشان می‌دهد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «مَا شَقِيَ عَبْدٌ قَطًّا بِمَشُورَةٍ...» هرگز کسی از مشورت بدبخت نمی‌شود (همان: حکمت ۲۵۷۰). ایشان در توصیه‌های‌شان به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز فرمود: «لَا مَظَاهِرَةَ أَوْتَقُ مِنَ الْمَشَاوِرَةِ...»؛ هیچ پشتیبانی با اعتمادتر از مشاوره نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۲ / ۳۹).

اهل مشورت از ندامت در امان است. امیر مؤمنان حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «شَاوِرِ ذَوِي الْعُقُولِ تَأْمَنَ الزَّلَّلَ وَالنَّدَمَ»؛ با افراد عاقل و صاحب خرد مشورت کن تا از لغزش و پشیمانی ایمن گردی (آمدی، ۱۳۶۶ش: ۴۱۳).

و نیز فرمودند: «النَّبِيُّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) أَرْسَلَنِي إِلَى الْيَمَنِ فَقَالَ لِي وَهُوَ يُوصِينِي يَا عَلِيُّ! ... لَا نَدَمَ مَنِ اسْتَشَارَ»؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا به یمن فرستاد، سفارشات لازم را کرد و فرمود: ای علی! ... کسی که مشورت کند پشیمان نمی‌شود (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۳۶).

مشاوره راه حلی است که می‌تواند زمینه رشد و کامیابی فرد و جامعه را فراهم کند. امیرالمؤمنین در این باره می‌فرماید: «الْمُسْتَشِيرُ عَلَى طَرْفِ النَّجَاحِ»؛ مشورت کننده کامیاب و رستگار خواهد شد (آمدی، ۱۳۶۶ش: حکمت ۱۲۶۲).

خصوصیات مشاور از دیدگاه اسلام

پس از اینکه به اهمیت استشاره پرداختیم به موضوع خطیر خصوصیات مشاور اشاره می‌کنیم. امام صادق (علیه السلام) در ضرورت این امر می‌فرماید: «إِنَّ الْمَشُورَةَ مَحْدُودَةٌ فَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا بِحُدُودِهَا كَانَ ضَرَرُهَا عَلَيْهِ أَكْثَرَ مِنْ نَفْعِهَا...»؛ به درستی که مشاوره، دارای

حدود و شرایطی است، کسی که آن شرایط و حدود را نشناسد و آن‌ها را رعایت نکند مشاوره برایش بیش از آنچه برای او سودمند باشد، مضر خواهد بود» (طبری، ۱۴۱۲ق: ۳۱۹). آنچه از روایات برمی‌آید این است که استشاره با تمامی منافعی که دارد اگر بدون در نظر گرفتن خصوصیات مشاور انجام شود نه تنها منتج به فوائد نمی‌شود بلکه باعث غوطه‌ور شدن انسان طالب مشورت در مشکلات و تباهی نیز می‌شود. به همین خاطر ما در اینجا به بعضی از خصوصیات مشاور همراه با مستندات آن‌ها اشاره می‌کنیم:

بهترین نعمت و موهبت انسان قدرت تعقل اوست و باید با کسانی مشورت کرد که از این نعمت به نحو اتم برخوردار باشند.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: «استشیروا العاقل من الرجال الورع فإنه لا يأمر إلا بخير وإياك والخلاف الورع العاقل مفسدة في الدين والدنيا»؛ استشاره کن با عاقل از مردان پرهیزگار به درستی که امر ننماید صاحبان ورع مگر به خیر و بر تو باشد به پرهیز نمودن از مخالفت، زیرا مخالفت ورع عاقل، مفسده است در دین و دنیا (طبرسی، ۱۴۲۸ق: ۳۱۸).

فرد مشاور باید فردی رازدار و امانت دار باشد چراکه در غیر این صورت انسان به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

امام علی (علیه السلام) در این رابطه فرموده است: «الخيانة المستسليم والمستشير من أقطع الأمور وأعظم الشرور وموجب عذاب السعير»؛ خیانت کسی که مردم کارشان را به او وا می‌گذارند و از او نظرخواهی می‌کنند از شنیع‌ترین کارها و بزرگ‌ترین شرها و پدیدآورنده عذاب آتش سوزان است (همان: ۳۴۸).

روایات بسیار زیادی در بیان معصومین (علیهم السلام) آمده است که با افرادی که دارای بعضی از صفتهای مذموم هستند مشورت نکنید که نه تنها شما را به مقصد نمی‌رسانند بلکه شما را به گمراهی کشانده و از سعادت الهی دور می‌کنند.

حضرت علی (علیه السلام) در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «لَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَيَعِدُّكَ الْفَقْرَ وَلَا جَبَانًا يَضْعُفُكَ عَنِ الْأُمُورِ وَلَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ»؛ با سه گروه مشورت نکن: بخیلی که تو را از فضل و بخشش باز می‌دارد و از فقر و نیاز می‌ترساند و ترسوئی که گام‌های تو را از اقدام سست می‌کند و

حریصی که به ناروا حرص و آز را در نگاه تو می‌آراید» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۳۴۹). مشاور باید فردی باتقوا و خداترس باشد تا بتواند شخصی را که از او مشورت خواسته است به طور کامل و در محدوده دستورات دین یاری کند.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «شاور فی أُمُورِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ تَرْتُدُّ»؛ در امورت با افرادی مشورت کن که از خدا می‌ترسد تا به حقیقت برسی (رشد کنی) (آمدی، ۱۳۶۶ش: ۴۴۲).

نباید در کارها و تصمیمات مهم زندگی با افرادی که بینش قوی و عمیق ندارند مشورت کرد.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مُشَاوَرَةُ الْحَازِمِ الْمَشْفِقِ ظَفَرٌ»؛ مشورت با دوست مهربان و دوراندیش پیروزی می‌آورد (همان).

مشاور باید در هر شرائطی خودش را در جایگاه فرد مراجع قرار دهد و ببیند که اگر در جایگاه او قرار داشت چه تصمیمی اتخاذ می‌کرد. با این شرائط و با استفاده از تخصصش می‌تواند بهترین مشورت را به فرد مراجعه کننده بدهد.

امام سجاد (علیه السلام) درباره وظیفه شخص مشاور می‌فرماید: «وَأَشْرَتْ عَلَيْهِ بَمَا تَعَلَّمَ أَنْكَ لَوْ كُنْتَ مَكَانَهُ عَمِلْتَ بِهِ»؛ و آنچه می‌دانی به او بنمایانی، آن سان که اگر جای او بودی، همانگونه عمل می‌کنی (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۶۹). در مشاوره، اگرچه با دشمن، باید بی‌طرفی و امانت را رعایت کرد.

وظایف مستشیر (مشورت گیرنده)

مراجعه به کسی که واجد شرایط مشاوره باشد و انتخاب نکردن افراد فاقد شرائط برای مشاوره از وظایف مهم مستشیر است. در این باره روایاتی نقل شده است که در قسمت خصوصیات مشاور به آن اشاره شد. همچنین باید به مشاوره مراجعه کرد که قابل قبول باشد. امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «... وَلَا تُشَاوِرْ مَنْ لَا يُصَدِّقُكَ عَقْلُكَ وَإِنْ كَانَ مَشْهُورًا بِالْعَقْلِ وَالْوَرَعِ...»؛ با کسی که عقلت او را تأیید نمی‌کند مشورت مکن، هرچند شهرت به عقل و تقوا داشته باشد» (منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰ق: ۱۵۳).

عمل کردن به نصایح مشاور امری ضروری است البته در صورتی که تمام جوانب انتخاب مشاور قابل اطمینان را رعایت کرده باشیم.

حضرت صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «وَأَسْتَشِرِ الْعَاقِلَ مِنَ الرِّجَالِ الْوَرَعَ، فَإِنَّهُ لَا يَأْمُرُ إِلَّا بِخَيْرٍ وَإِيَّاكَ وَالْخِلَافَ فَإِنَّ مُخَالَفَةَ الْوَرَعِ الْعَاقِلِ مَفْسِدَةٌ فِي الدِّينِ وَالْدُنْيَا»؛ با عاقل متدین مشورت کن که او به جز خیر تکلیف نمی‌کند و از مخالفت کردن به او بپرهیز؛ زیرا فساد در دین و دنیا را به دنبال دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۸ / ۴۲۶).

البته باید توجه داشت که در صورت اختلاف رأی مشاوران، لازم است از بهترین رأی پیروی کرد؛ چنانکه قرآن در توصیف خردمندان می‌فرماید:

﴿... فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾ (زمر/ ۱۷-۱۸)

«بشارت ده بندگان مرا که سخنان را می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند»

نکته قابل توجه این است که، ما در قبال تمام افرادی که با آن‌ها معاشرت می‌کنیم وظایفی داریم و حقوقی طرفینی می‌باشد که از آن جمله حقوق، حق مشاور است.

امام سجاد علیه السلام درباره حق مشاور می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ الْمَشِيرِ عَلَيْكَ فَلَا تَتَّهِمُهُ ... فَأَمَّا تَهْمَتُهُ فَلَا تَجُوزُ لَكَ إِذَا كَانَ عِنْدَكَ مِمَّنْ يَسْتَحِقُّ الْمَشَاوِرَةَ وَلَا تَدْعَ شُكْرَهُ عَلَى مَا بَدَأَ لَكَ مِنْ إِشْخَاصِ رَأْيِهِ وَحُسْنِ وَجْهِ مَشُورَتِهِ»؛ حق مشاور بر مراجعه کننده این است که او را متهم نسازد، اتهام نسبت به کسی که او را مستحق مشورت دانسته‌ای جایز نیست، بلکه باید از اظهار نظر و حسن پذیرشش در مشاوره تشکر کنی و او را سپاس‌گزار باشی (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۷۵).

۲. استخاره

دومین راه برای رفع تحیر که به عنوان یکی از الطاف الهی استخاره است. استخاره بعد از مشورت به عنوان یکی از راه‌های خروج از اضطراب فکر است، که به این معنا حجت‌آور نیز هست. یعنی می‌توان آن را به عنوان تکیه‌گاهی وثیق در تصمیم‌گیری‌ها اخذ کرد. در ابتدا به مفهوم شناسی و چیستی استخاره و سپس به منزلت آن در آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) اشاره می‌کنیم.

مفهوم شناسی استخاره

راغب اصفهانی در «مفردات» چنین می گوید: «اینکه می گوئیم بنده از خداوند استخاره نماید به معنای آن است که از خداوند طلب خیر نماید» (۱۴۱۲ق: ۳۰۱). در بیان مفهوم اصطلاحی استخاره آمده است: «استخاره در اصطلاح، معمولاً به رفتاری گفته می شود که برای تصمیم گیری در یک کار مهم مثل سفر، یا راه سفر و یا کاری که احتمال خطر در آن وجود دارد از انسان سر می زند، به ویژه آنگاه که به دلیلی در حالت حیرت و تردید قرار گرفته باشد. این رفتار گاهی معنوی و در شکل توجه باطنی و دعا و گاه شکل ظاهری دارد مانند استخاره با مصحف و یا تسبیح و یا غیره» (یزدی، ۱۳۹۲ش: ۲۳۳).

شیخ مفید(ره) می فرماید: «استخاره کردن در امور منهی عنه یا در ادای فرائض، درست نیست، بلکه استخاره در امر مباح یا برای ترک امر مستحبی به جهت تعارض با امر مستحب دیگر است» (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۰: ۹۸/۱).

استخاره در اصطلاح به معنی آن است که انسان تنها از خداوند متعال طلب خیر نماید که ایجاد این معنی - طلب خیر از خداوند - به روش های گوناگونی انجام می پذیرد. تمامی انواع استخاره مصطلح در حقیقت طلب خیر از خداوند است که به شیوه های مختلف و با وسایل خاص انجام می گیرد.

از آنجا که مفهوم لغوی و اصطلاحی استخاره و کلمه خیر به گونه ای به هم گره خورده اند و خود مفهوم لغوی استخاره در آمدی به مفهوم اصطلاحی آن است.

جایگاه استخاره از دیدگاه روایات

روایات اهل بیت (علیهم السلام) در کنار آیات کریمه قرآن ثقل اصغر از ثقلین الهی است که ودیعه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و مستمسک حق جویان بعد از غروب خورشید نبوت می باشد. با این توضیح شاید این سؤال مطرح گردد که چرا بدون پرداختن به جایگاه استخاره در ثقل اکبر یعنی قرآن به سراغ روایات اهل بیت رفته ایم. در جواب باید گفت که در تتبع و جست و جوی لغوی در قرآن کریم کلمه «استخاره» یافت نمی شود و این از دسته کلماتی است که در قرآن به کار گرفته نشده است. اما

همانطور که در تشریح و توضیح مفاهیم لغوی و اصطلاحی استخاره می‌توان گفت استخاره نه به صورت خاص بلکه در ذیل عناوین دیگر و نه به صورت مستقیم بلکه در سایه طرح بعضی از عناوین مشترک با خود به نحو غیر مستقیم در تفاسیر قرآن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

به این دلیل از جایگاه استخاره در قرآن عبور کرده و مبحث جایگاه استخاره در روایات اهل بیت (علیهم السلام) را در پیش می‌گیریم.

موضوع استخاره از جمله موضوعاتی است که در نزد عموم فرق اسلامی، مورد پذیرش واقع شده است و هم نوع عام و هم نوع خاص آن. با توجه به حجم زیاد روایات موجود در این زمینه و وجود نوعی اجماع از ناحیه محققان شیعه و سنی، به هیچ وجه قابل انکار نمی‌باشد.

عام یا خاص بودن استخاره در فرهنگ اسلامی

این بخش از این نوشتار در صدد پاسخ به این سؤال است که آیا استخاره‌ای که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) آمده است به معنای خاص به کار رفته است یا در معنای عام خود منظور گردیده است.

به طور کلی در احادیث مربوط به استخاره واژه استخاره، معمولاً به دو معنا و یا مفهوم مختلف، به کار رفته است: ۱- معنای عام ۲- معنای خاص.

معنای نخست: در دسته‌ای از احادیث دیده می‌شود که در آن‌ها، به صورت مطلق، به طلب خیر نمودن از خداوند در همه امور در کارها توصیه شده است. بدین معنا که بهتر است مؤمن، در همه کارها و تصمیمات خود، از خداوند متعال طلب خیر بکند. چراکه عاقبت و فرجام همه امور در قبضه قدرت اوست.

این نوع استخاره، به زمان یا مکان و یا موقعیت خاصی اختصاص ندارد، بلکه مطابق آن، در هر زمان و مکانی و در هر کاری چه قبل از اقدام، و چه در حین اقدام و چه بعد از انجام آن کار مؤمن باید از خدا طلب خیر نماید و در قلب و نیت و عمل خود، عاقبت کارش را به او بسپارد و از او بخواهد تا پایان امورش را ختم به خیر و سعادت نماید.

در اینجا به ذکر نمونه‌ای از روایاتی که به این نوع از استخاره (استخاره به معنی عام) تشویق نموده‌اند، می‌پردازیم:

قال الصادق (علیه السلام): «يقول الله عز وجل: من اشقاء عبدی ان يعمل الاعمال ولا یستخیر بی»؛ خداوند متعال فرموده است: از نشانه‌های بدبختی بنده من، آن است که کارهای خود را انجام دهد و از من طلب خیر نکند (نوری، ۱۴۰۸ ق: ۶ / ۲۶۲).

برخی از محققان اسلامی، مراد از استخاره را تنها همین نوع از استخاره دانسته و قسم دوم از استخاره را که بعد از این بیان خواهد شد، نپذیرفته‌اند.

استخاره نوع خاص، معمولاً در میان عموم مردم متداول است.

توکیل در استخاره

دین اسلام در خیلی از امور انسان قانون و کالت را وضع نموده و انسان قادر است در امورات خود، شخصی را به عنوان وکیل قرار داده بر طبق فقه اسلامی و احکام مربوط به وکالت با او تعامل نماید. اما آنچه جای بحث و گفت‌وگو در این قسمت است این مطلب است که آیا استخاره هم مثل بقیه امور قابلیت توکیل را داراست یا نه؟

در مفاد روایات دیده نشده که امامان معصوم (علیهم السلام) برای دیگران استخاره‌ای فرموده باشند با وجودی که مردم زمانه آنان از خواستن ابایی نداشتند ولی متعارف و متداول در سیره علماء، استخاره برای دیگران بوده است و معمولاً عرف مردم تمام مشکلاتشان را با آنان در میان گذاشته و استخاره می‌خواستند (ارگانی بهبانی حائری، ۱۴۳۵ ق: ۴۵).

علامه مجلسی (رحمة الله علیه) با توجه به این حقیقت که استخاره تضرع شدید و حالت عرفانی است که در لحظه تردید به شخص مضطر دست می‌دهد به گونه‌ای که با همه وجود، خود را از درون با مبدأ اعلیٰ ملکوت پیوند می‌دهد و از او چاره می‌طلبد، بهتر آن است که هر کس برای خودش استخاره کند، زیرا ما هیچ حدیثی نداریم که شخص به وکالت از دیگری استخاره کند و اگر وکالت در استخاره شایسته و سزاوار بود اصحاب از امامان (علیهم السلام) تقاضای استخاره می‌کردند. ایشان به گفتار عالم بزرگوار مرحوم سید بن طاووس (رضوان الله تعالی علیه) استناد کرده که فرموده است: من حدیث

صریحی ندیده‌ام که کسی برای کسی استخاره کند و اصل آن است که هر کس برای خودش استخاره کند (۱۴۰۳ق: ۲۸۶/۹۱).

احادیث زیادی درباره برآوردن و قضای حوائج، نیازمندی‌ها خواسته‌های افراد باایمان از درگاه حضرت احدیث دیده‌ام که در اینجا بیان آن‌ها سبب طولانی شدن سخن است. این عالم بزرگوار انجام استخاره را نیز از خواسته‌ها و نیازمندی‌های مردم دانسته‌اند (همان: ۲۸۵/۹۱).

آنچه می‌توان به عنوان نتیجه این قسمت بیان کرد این است که یکی از شرایط بهره‌وری از منافع استخاره این است که انسان به شخص باتقوا و دوستدار و محبوب خداوند متعال رجوع کرده و از او طلب استخاره و مشورت کند چراکه طبق نص صریح روایت خداوند متعال خیر را بر زبان نیکان جاری می‌فرماید. ثانیاً با حضور امام و در دسترس بودن حجت خداوند متعال دیگر نیازی به استخاره نیست.

ثالثاً در قسمت پایانی بیان مرحوم سید بن طاووس (رضوان الله تعالی علیه) انجام عملیه استخاره تحت عنوان کلی رفع حاجت مؤمنین قرار می‌گیرد که علمای اعلام سردمداران این عبادت بزرگ هستند.

انواع استخاره

استخاره در میان تعداد کثیری از اقشار جامعه معتقدان پروپاقرص دارد، ولی تعداد قابل ملاحظه‌ای از این افراد از شکل‌های استخاره فقط استخاره با قرآن و تسبیح را می‌دانند و از گونه‌های دیگر آن یعنی استخاره قلبی، مطلق و ... بی‌اطلاع هستند. ما در این قسمت بر آن ایم که انواع مختلف استخاره را به همراه سند روایی آن‌ها معرفی کنیم.

۱. استخاره مطلقه

استخاره مطلقه استخاره‌ای است که در آن هیچ شبهه‌ای نیست و در روایات از آن بیش‌تر نام برده شده است و عارفان دائماً با چنین استخاره‌ای در تمام مراحل زندگی سروکار دارند. در روایات بیش‌ترین سفارش به این نوع استخاره شده است. این استخاره در واقع نوعی دعا و طلب خیر کردن است:

«قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ فِي الْاسْتِخَارَةِ تُعْظَمُ اللَّهُ وَتُحَمِّدُهُ وَتُحَمِّدُهُ وَتُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ (ص) ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ غَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنْ كَانَ الْأَمْرُ شَدِيداً تَخَافُ فِيهِ قُلْتَهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَثَلَاثُ مَرَّاتٍ؛ اِبَاعِبُدَاللَّهِ [امام صادق] می فرماید: در بیان کیفیت استخاره که تعظیم خدا می کند و در حال سجده و حمد خدا می کنی و صلوات بر محمد و آل او می فرستی پس می گویی خدایا همانا من از تو که عالم به هر پنهان و آشکار رحمن و رحیم و دانای به نهانی ها هستی طلب خیر می کنم از خدا به رحمتش. آنگاه فرمود: اگر کار مهم و دشواری بود که از آن هراس داشتی صد بار این جمله را بگو و اگر چنین نبود سه بار تکرار کن» (همان: ۸۸ / ۲۵۶).

۲. استخاره قلبی

در این نوع استخاره بعد از انجام دادن عمل استخاره رجوع به قلب خود کند و آنچه در خاطرش رجحان به هم رسانیده به آن عمل نماید.

«سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) لَابْنَ أَسْبَاطٍ فَقَالَ لَهُ مَا تَرَى لَهُ وَابْنَ أَسْبَاطٍ حَاضِرٌ وَنَحْنُ جَمِيعاً نَذْكُرُ الْبَحْرَ وَالْبَرَّ إِلَى مِصْرَ وَأَخْبَرَهُ بِخَيْرِ طَرِيقِ الْبَرِّ فَقَالَ لَهُ فَأَتِ الْمَسْجِدَ فِي غَيْرِ وَقْتِ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَاسْتَخِرْ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ ثُمَّ انْظُرْ إِلَى أَيِّ شَيْءٍ يَقَعُ فِي قَلْبِكَ فَاعْمَلْ بِهِ؛ ابْنِ اسْبَاطٍ از امام رضا (عليه السلام) سؤال کرد که اراده مصر دارد و در راه دریا و صحرا متردد است. حضرت امام رضا (عليه السلام) به او فرمود: برو به مسجد در غیر وقت نماز واجب، دو رکعت نماز بکن و صد مرتبه طلب خیر خود را از خدا بکن، و آنچه در دلت می افتد به آن عمل کن» (طبرسی، ۱۴۲۸ق: ۳۰۷).

۳. استخاره به قرآن مجید

استخاره به قرآن مجید به چندین طریق معروف است و در بعضی از کتب مذکور است که ما در اینجا به ذکر یک مورد بسنده می کنیم.

«و آن هم این است که بعد از طلب خیر از جناب مقدس ربانی مصحف را بگشاید و آیه اول دست راست را ملاحظه کند، اگر آیه رحمتی بود یا امر به خوبی و خیر شده

باشد خوب است، و اگر آیه غضبی یا نهی از شری باشد یا امر به شری یا عقوبتی باشد بد است، و اگر دوجهتین باشد یا مشتبهه باشد میانه است» (مجلسی، ۱۳۸۴ ش: ۸۰).

شیخ طوسی در «تهذیب الاحکام» به سند معتبر روایت کرده است:

«یسع بن عبدالله قمی قلت لابی عبدالله (علیه السلام) أريدُ الشيءَ فأستخير اللهَ فيه فلا يوفق فيه الرأيَ أفعله أو أوعه فقال النظر إذا قمتَ الى الصلاة فإنَّ الشيطانَ ابعداً ما يكونُ من الانسان إذا اقام الى الصلاة فانظر الى شيءٍ يقعُ في قلبك فخذ به وافتح المصحف فانظر الى الاول ما ترى فيه فخذ به ان شاء الله تعالى؛ يسع بن عبدالله قمی به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کرد که من اراده می‌کنم کاری را و طلب خیر از حق تعالی می‌کنم و رأیم بر یک طرف قرار نمی‌گیرد، حضرت فرمود: که نظر کن در هنگامی که به نماز برمی‌خیزی، زیرا که دورترین احوال شیطان از آدمی حالتی است که به نماز می‌ایستد، پس ببین که چه چیزی در دلت می‌افتد و اخذ کن به آن، و بگشا مصحف را پس نظر کن به سوی اول چیزی که می‌بینی، پس به آن عمل کن انشاءالله» (۱۴۰۷ق: ۳ / ۳۱۰).

۴. استخاره به تسبیح

شکل دیگر استخاره، استخاره به تسبیح است که روایات مختلفی نیز در این باب آمده است که ما به بعضی از این روایات اشاره می‌کنیم.

«صاحب الزمان (ع): وَهُوَ أَنْ يَقْرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَأَقْلَمَ مِنْهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَالْأَدْوَانَ مِنْهُ مَرَّةً ثُمَّ يَقْرَأُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ ثُمَّ يَقُولُ هَذَا الدُّعَاءُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ وَسَأَقُ الدُّعَاءَ كَمَا مَرَّ إِلَى قَوْلِهِ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الْفُلَانِي مِمَّا قَدْ نَيْطَتْ إِلَيَّ قَوْلِهِ فَخِرْ لِي فِيهِ خَيْرَةً إِلَى قَوْلِهِ مَسْرُوراً اللَّهُمَّ إِمَّا أَمْرٌ فَاتِمِرْ أَوْ نَهْيٌ فَانْتَهِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ ثُمَّ يَقْبِضُ عَلَى قِطْعَةٍ مِنَ السَّبْحَةِ وَيُضْمِرُ حَاجَتَهُ وَيُخْرِجُ إِنْ كَانَ عَدَدُ تِلْكَ الْقِطْعَةِ زَوْجاً فَهُوَ أَفْعَلُ وَإِنْ كَانَ فَرْداً لَمْ تَفْعَلْ أَوْ بِالْعَكْسِ؛ حضرت صاحب الزمان (صلوات الله عليه) روایت کرده است، که چون در امری کسی خواهد استخاره کند سوره فاتحه را ده مرتبه می‌خواند و به سه مرتبه و به یک مرتبه نیز اکتفا می‌تواند کرد، پس ده مرتبه سوره انا انزلناه را می‌خواند، (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ

وَسَاقَ الدُّعَاءِ كَمَا مَرَّ إِلَى قَوْلِهِ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الْفُلَانِي مِمَّا قَدْ نَيْطَتْ إِلَى قَوْلِهِ فَخِرْ لِي فِيهِ خَيْرَةً إِلَى قَوْلِهِ مَسْرُوراً اللَّهُمَّ إِمَّا أَمْرٌ فَأَتَمِّرْ أَوْ نَهْيٌ فَأَنْتَهِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ) پس قصد می کند که اگر این امر برای من خوب است طاق بیاید و اگر بد است جفت بیاید یا بر عکس پس قطعه از تسبیح را می گیرد می شمارد تا معلوم شود که طاق است یا جفت است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸۸ / ۲۴۸).

۵. استخاره به رفاع

سید بن طاووس و اکثر متأخرین علما این نوع را بهترین نوع استخاره می دانند (مجلسی، ۱۳۸۴ش: ۵۳).

در این نوع استخاره نماز نقش اساسی و تعیین کننده دارد این نوع استخاره به چند طریق وارد شده است که ما فقط به یک نوع آن اشاره می کنیم:

شیخ طوسی در «تهذیب» از امام صادق (علیه السلام) به سند صحیح روایت می کند: «إِذَا أَرَدْتَ أَمْرًا فَخُذْ سِتَّ رِقَاعٍ فَكُتِبَ فِي ثَلَاثٍ مِنْهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةً مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ أَفْعَلُهُ وَفِي ثَلَاثٍ مِنْهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةً مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ لَا تَفْعَلْ ثُمَّ ضَعَهَا تَحْتَ مُصَلَّاكَ فَإِذَا فَرَعْتَ فَاسْجُدْ سَجْدَةً وَقُلْ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ ثُمَّ اسْتَوِ جَالِسًا وَقُلْ اللَّهُمَّ خِرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ ثُمَّ اضْرِبْ بِيَدِكَ إِلَى الرَّقَاعِ فَشَوْشُهَا وَأَخْرِجْ وَاحِدَةً فَإِنْ خَرَجَ ثَلَاثٌ مُتَوَالِيَاتٍ أَفْعَلْ فَأَفْعَلْ ذَلِكَ الْأَمْرَ الَّذِي تُرِيدُهُ وَإِنْ خَرَجَ ثَلَاثٌ مُتَوَالِيَاتٍ لَا تَفْعَلْ فَلَا تَفْعَلْهُ وَإِنْ خَرَجَتْ وَاحِدَةٌ أَفْعَلْ وَالْأُخْرَى لَا تَفْعَلْ فَأَخْرِجْ مِنَ الرَّقَاعِ إِلَى خَمْسٍ فَانظُرْ أَكْثَرَهَا فَاعْمَلْ بِهِ وَدَعِ السَّادِسَةَ لَا تَحْتَاجُ إِلَيْهَا؛ امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرمایند: هر گاه امری را اراده کردی شش رقعہ کاغذ بگیر. در سه تای آنها بنویس (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةً مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ أَفْعَلُهُ)؛ و در سه رقعہ دیگر بنویس (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةً مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ لَا تَفْعَلْ)؛ پس آن رقعہها را در زیر مصلاي خود بگذار و دو رکعت نماز بخوان و چون فارغ شدی برو به سجده و صد مرتبه بگو (أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ اللَّهُمَّ خِرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ). پس دست بزن و رقعہها را مشوش

کن، یعنی به یکدیگر مخلوط کن و یک‌یک از آن‌ها را بیرون بیاور و ملاحظه کن، اگر سه أفعال پیایی آمد پس آن کار را که اراده کرده‌ای انجام ده و اگر سه لا تفعل پیایی بیرون آید پس آن کار را مکن و اگر بعضی إفعال و بعضی لا تفعل بر آید تا پنج رقعہ بیرون آور اگر إفعال بیش‌تر است عمل کن و اگر لا تفعل بیش‌تر است ترک و احتیاج نیست به بیرون آوردن رقعہ ششم» (۱۴۰۷ق: ۳ / ۱۸۱).

در هر کجا به جای فلان بن فلانه اسم خود و مادر خود را بنویسید.

نتیجہ بحث

آنچه را که به عنوان نتیجه این تحقیق و پژوهش می‌توان نام برد این است که اولاً نتیجه مشورت غیر از محدوده انجام واجبات و ترک محرمات در مابقی اعمال جاری و رأی منتج از مشاوره در آن‌ها قابل قبول است، همچنین دایره استخاره تنگ‌تر از استشاره می‌باشد، زیرا استخاره نه‌تنها در انجام واجبات و ترک محرمات جایی ندارد بلکه در جایی که می‌توان از خرد جمعی و مشاوره بهره گرفت دیگر جایی برای استخاره نمی‌ماند. به بیان دیگر اگر بخواهیم بین این دو امر مرتبه قائل شویم مرتبه استشاره قبل از استخاره است و استخاره در جایی است که انسان خود را بی بهره از کمک صاحبان عقل و اندیشه ببیند که خود این مطلب را می‌توان دومین نتیجه این تحقیق برشمرد و ثانیاً با این همه اوصاف و تمجید از این دو امر اگر محدوده متعلقات، آداب و شرائط این دو امر رعایت نشود نه‌تنها مثمر ثمر نیست بلکه خود باعث انحراف متحیران خواهد شد. ثالثاً اینکه رویکرد و نگاه به استخاره خصوصاً نباید رویکرد افراط گونه و یا در مقابل تفریطی باشد به این معنا که نباید آنقدر پیش رفت که عقل و مشورت را به تعطیلی کشاند و نه آنقدر استخاره را مذموم شمرد که این نعمت الهی به دست فراموشی سپرده شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۶۶ق، **علل الشرایع**، قم: کتابفروشی داوری.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. ۱۴۰۴ق، **تحف العقول**، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
- ابن طاووس، علی بن موسی. ۱۴۰۹ق، **فتح الأبواب بین ذوی الالباب و بین رب الارباب**، تصحیح: حامد خفاف، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، چاپ سوم، بیروت: دار الاحیاء.
- ارگانی بهبانی حائری، محمود. ۱۴۳۵ق، **راهی به روشنا، آداب استخاره و استشاره**، قم: انتشارات نور مطاف.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی. ۱۳۶۶ش، **غرر الحکم و درر الکلم**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ اول
- پاینده، ابوالقاسم. ۱۳۸۲ش، **نهج الفصاحه**، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۹ش، **تفسیر موضوعی قرآن کریم**، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۵ش، **تفسیر تسنیم**، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **وسایل الشیعة**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: دار القلم - الدار الشامیة.
- شیخ مفید، محمد بن محمد. ۱۴۱۳ق، **المقنعة**، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴ش، **تفسیر المیزان**، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی.
- طبرسی. ۱۳۶۰ش، **مجمع البیان**، تهران: فراهانی.
- طوسی، محمد بن الحسن. ۱۴۰۷ق، **تهذیب الأحکام**، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن الحسن. ۱۴۱۴ق، **الأمالی**، قم: دار الثقافه.
- قرشی، علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **تفسیر احسن الحدیث**، تهران: بنیاد بعثت.
- گروهی از نویسندگان. ۱۳۸۰ش، **دایرة المعارف تشیع**، تهران: بنیاد اسلامی طاهر.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، چاپ دوم، تصحیح: جمعی از محققان، بی جا: دار احیاء التراث العربی.
- منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام. ۱۴۰۰ق، **مصباح الشریعة**، چاپ اول، بیروت: نشر اعلمی.

نوری، حسین بن محمد تقی. ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل**، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت.
یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم. ۱۳۹۲ش، **عروة الوثقی**، ترجمه: شیخ عباس قمی، تهران: دریاى معرفت.

Bibliography

- The Holy Quran.
Nahjol Balaghah.
Ibn Babawiyah, Muhammad ibn Ali 1987 AH, Causes of Sharia, Qom: Davari Bookstore.
Ibn Shuba Harani, Hassan Ibn Ali. 1404 AH, The Gift of Minds, Second Edition, Qom: Society of Teachers.
Ibn Tawus, Ali ibn Musa. 1409 AH, Fath al-Abwab between Dhu al-Albab and between Rab al-Arbab, correction: Hamed Khafaf, Qom: Al-Bayt Foundation, peace be upon them.
Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram. 1414 AH, Arabic language, third edition, Beirut: Dar Al-Ahya.
Organi Behbani Haeri, Mahmoud. 1435 AH, the way to enlightenment, etiquette and advice, Qom: Noor Mataf Publications.
Amadi, Abdul Wahed bin Mohammad Tamimi. 1987, Gharr al-Hakam and Darr al-Kalam, Qom: Islamic Propaganda Office. First Edition
Payende, Abolghasem 2003, Nahj al-Fasaha, fourth edition, Tehran: The World of Knowledge.
Javadi Amoli, Abdullah 2000, Thematic Interpretation of the Holy Quran, Third Edition, Qom: Esra Publishing Center.
Javadi Amoli, Abdullah 2006, Tafsir Tasnim, first edition, Qom: Esra Publishing Center.
Free agent, Muhammad bin Hassan. 1409 AH, Shiite means, Qom: Al-Bayt Foundation
Ragheb Isfahani, Hussein bin Mohammad. 1412 AH, Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, Beirut: Dar Al-Qalam - Al-Dar Al-Shamiya.
Sheikh Mufid, Muhammad ibn Muhammad. 1413 AH, Al-Muqna'a, Qom: Sheikh Mufid Hazara World Congress.
Tabatabai, Mohammad Hussein 1995, Tafsir Al-Mizan, translated by Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, Qom: Islamic Publications.
Tabarsi. 1981, Assembly Statement, Tehran: Farahani.
Tusi, Muhammad ibn al-Hassan 1407 AH, Tahdhib al-Ahkam, fourth edition, Tehran: Islamic Books House.
Tusi, Muhammad ibn al-Hassan 1414 AH, Al-Amali, Qom: Dar Al-Thaqafah.
Qurashi, Ali Akbar. 1998, Tafsir Ahsan Al-Hadith, Tehran: Be'sat Foundation.
A group of writers. 2001, Shiite Encyclopedia, Tehran: Tahir Islamic Foundation.
Majlisi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taqi 1403 AH, Sea of Lights, second edition, correction: a group of scholars, misplaced: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
Attributed to Ja'far ibn Muhammad .1400 AH, Mesbah al-Shari'a, first edition, Beirut: Elmi publication.
Nouri, Hussein bin Muhammad Taqi 1408 AH, Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il, first edition, Qom: Al-Bayt Institute.

Yazdi, Mohammad Kazem bin Abdul Azim 1392, Orwa Al-Wathqi, translated by Sheikh Abbas Qomi, Tehran: Daryaye Merefat



Consulting and Recitation; Two Decision – Making Strategies in Islamic and Quranic Culture

Fatemeh Riyahi: Graduated, Ladies Seminary, Level 2, MA, Quran & Hadith University, Shar e Rey University

Ahmad Mirzaei: University Student, Official Instructor, Tehran Seminary, MA, Quran & Hadith University, Shar e Rey University

Abstract

In this research, consultation and recitation, which are two decision-making strategies in Islamic and Quranic culture, were reviewed. Contemplation and recitation are two of the great gifts of God, the Merciful, which can be a way for man when he is astonished and confused. These two things, like other things in our lives, need to observe a series of principles and conditions for the initial beginning, which if they are not done by observing their customs and conditions, not only do not lead man astonished, but also lead him astray. Therefore, in the present article, issues such as what and why recitation and consultation are and their place in verses and hadiths and their status are discussed. To answer these cases, descriptive research method is used and by referring to written and unwritten sources and Internet sites, the necessary materials have been collected.

Keywords: thinking, decision making, Islam, Quran, culture.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی